

چاپ دوم

# فرهنگ و زندگی روزمره

دیوید انگلیس  
ترجمه علیرضا مرادی



## فهرست

۱۳	پیشگفتار.....
۲۱	مقدمه.....
۲۱	فرهنگ و امر روزمره.....
۲۱	ابتدال امر روزمره.....
۲۴	جامعه و امر روزمره.....
۲۶	فرهنگ و امر روزمره.....
۲۸	فرهنگ تفکر.....
۳۵	آشنایی زدایی از امر آشنا.....
۴۲	آینده فرهنگ و امر روزمره.....
۴۶	طرح این کتاب.....
۴۹	فصل یکم: فرهنگ، طبیعت و زندگی روزمره.....
۴۹	مقدمه.....
۵۱	فرهنگ در برابر طبیعت.....
۵۵	فرهنگ توالت.....
۵۹	بدن فرهنگی شده.....
۶۲	جنسیت و تکنیک‌های بدنی.....
۶۸	طبقه اجتماعی و تکنیک‌های بدنی.....
۷۳	نتیجه‌گیری: ورای طبیعت؟.....
۷۵	فصل دوم: فرهنگ مدرن و زندگی روزمره.....
۷۵	مقدمه.....
۷۶	عقلانی‌سازی زندگی روزمره.....

۸۱	عقلانی سازی عواطف
۸۴	ذهنیت پولی
۸۷	عقلانی سازی فضا
۹۶	فرهنگ و بی نظمی
۱۰۲	انقلاب در سبک
۱۱۰	جست و جوی ناامیدانه اعتبار
۱۱۵	تأکید بر امر مدرن
۱۲۲	نتیجه گیری: دگرگونی در زندگی روزمره
۱۲۶	فصل سوم: فرهنگ های «والا»، «عامه» و «پست» در زندگی روزمره
۱۲۶	مقدمه
۱۲۸	فرهنگ والا و امر خارق العاده
۱۳۱	عادی سازی فرهنگ
۱۳۵	بطن فرهنگ توده
۱۴۵	«هنر» و فعالیت های روزمره
۱۵۲	درون معابد هنر
۱۶۰	فرهنگ پست و مقاومت
۱۷۰	نتیجه گیری: سردرگمی فرهنگی
۱۷۲	فصل چهارم: جهانی شدن، فرهنگ و زندگی روزمره
۱۷۲	مقدمه
۱۷۴	درک جهانی شدن
۱۷۵	فرهنگ و امر جهانی
۱۷۷	امپریالیسم فرهنگی، امریکایی شدن و فرهنگ جهانی
۱۸۲	واکنش های محلی
۱۸۸	تکثر بی پایان؟
۱۹۲	جهانی شدن در عمل: غذای جهانی
۲۰۱	نتیجه گیری: آینده جهان وطنی
۲۰۵	کتابنامه

## مقدمه

### فرهنگ و امر روزمره

باب، روز پنجشنبه در آپارتمان خود مرا به شام دعوت کرد و من برای این مقدمه آماده شدم که وی من را در ماشین انجمن زیرزمینی محلی خودش ملاقات می‌کند. او یک استیک متوسط عالی پخته بود که با سیب‌زمینی‌های سرخ‌کرده و سالاد تزیین شده بود و با یک لیوان نوشیدنی سرو شد. بعد از میل کردن، لم دادیم و بقیه نوشیدنی را بالا کشیدیم. سپس مقدمات را کنار گذاشتم مثلاً این‌که قرار ملاقات بعدی را تعیین کردیم. در اواخر شب، او مرا به داخل ماشین برگرداند و پیشنهاد کرد که پنجشنبه بعدی در همان مکان او را ملاقات کنم و چون برای خرید فرصت نداشت، من باید یک سوسیس می‌خریدم. پنجشنبه بعد به زیرزمین ایستگاه رفتم و یک ساعت در آنجا معطل ماندم و خبری از باب نشد. بعد از ۴۰ دقیقه انتظار، به دلیل اینکه نمی‌دانستم کجا زندگی می‌کند به خانه برگشتم و سوسیس را برای خود نگه داشتم (اسمیت، ۲۰۰۱: ۸۱-۸۰).

### ابتدال امر روزمره

هیچ چیز شفاف‌تر از فعالیت‌های هرروزه ما به نظر نمی‌رسد. همه ما، روزمان را با کارهایی معمولی و عادی می‌گذرانیم که به‌ندرت به نظر می‌رسد ارزش این را

## فصل یکم: فرهنگ، طبیعت و زندگی روزمره

### مقدمه

هرچند که این نکته‌ای بدیهی است، ولی اگر بدن نداشته باشیم زندگی روزمره برای هریک از ما غیرممکن خواهد بود. به واسطهٔ اعضای بدن است که کارهایی را انجام می‌دهیم که در مسیر بنیان‌های روزمره است. بدن، بعضی چیزها را ممنوع و قدغن می‌کند، همچنین اجازه می‌دهد که چیزهای دیگری را انجام دهیم. وظایف و فعالیت‌های خاص کم‌وبیش دست‌یافتنی، به تیپ بدنی که شما دارید و یا آنچه توسط دیگران به نظر می‌رسد که دارید، بستگی ندارد. اگر شما از نظر دیگران «زیبا» به نظر برسید، چه بسا شما برای یافتن یک شریک با همان جذابیت، مشکلات کمتری نسبت به فردی که زیبایی کمتری دارد، خواهید داشت.

کسانی که نسبت به شما کمتر دل‌فریب به نظر می‌رسند و همسر جذابی می‌خواهند، سعی خواهند کرد که از طریق ابزارهای دیگری همچون قدرت، پول یا شهرت اجتماعی، آن را به دست آورند (تکاف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). هنوز آنچه در

خاصی سازمان‌دهی می‌شوند؛ پس از آن به سمت بررسی این موضوع حرکت خواهیم کرد که چگونه می‌توان استدلال کرد که نیروهای فرهنگی، به طور ریشه‌ای شیوه‌هایی که در آن، بدن‌های ما حرکت و عمل می‌کنند را شکل می‌دهد. من به این موضوع به این شیوه توجه خواهم کرد که چگونه بدن‌ها توسط هنجارهای مرتبط با جنس و همراه با طبقه اجتماعی شکل می‌گیرند. به چنین شیوه‌های متنوعی، نکات مهمی از این قبیل را شرح خواهم داد: انسان‌ها به همان اندازه که موجوداتی بیولوژیکی هستند، فرهنگی نیز می‌باشند و این واقعیت رشته‌های علمی وسیعی دربارهٔ اینکه ما چگونه حیات روزمره‌مان را بگذرانیم، ایجاد می‌کند.

### فرهنگ در برابر طبیعت

نیروهای فرهنگی - ایده‌ها، نگرش‌ها و نمادها - را می‌توان به مثابهٔ نیروهایی که نقشی کلیدی در زندگی انسان بازی می‌کنند، مورد توجه قرار داد. این نیروها با اهلی کردن طبیعت بی‌انتظام و سرکش انسانی، یعنی در اشکال محرک‌های دفع فضولات و جنسی فرار، سازمان‌دهی اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند. این دیدگاه - و من قصد دارم تأکید کنم که این تنها یک دیدگاه است و نه حقیقت مُنزل (برای انتقادات نک: فوکو، ۱۹۸۱) - مطرح می‌کند که طبیعت انسانی، آشفتگی<sup>۱</sup> و سرکش است. صرف‌نظر از تمهیدات خود ما، بدون آموزش محدودیت‌های فرهنگی، هریک از ما لجام‌گسیخته خواهیم بود. در این صورت ما بی‌درنگ در جست‌وجوی ارضای محرک‌های بیولوژیکی بنیادی‌تری خواهیم بود، به این معنا تا آنجا که بتوانیم به دنبال هرگونه شریک جنسی خواهیم رفت. زمانی که از چیزی عصبانی می‌شویم - برای مثال اگر کسی از شراکت جنسی موردنظر ما امتناع کند - باید خشونت به خرج دهیم و عصبانیت خود را بر سر فردی که غریزهٔ ما را تحریک کرده یا هرکس دیگری که در اطرافمان است، خالی کنیم. بدون هرگونه محدودیت، ما نیز باید بی‌درنگ خودمان را برای مثال

یک زمینهٔ فرهنگی، «زیبا» پنداشته می‌شود، می‌تواند با آنچه در دیگر فرهنگ‌ها زیبا است، بسیار متفاوت باشد. ایدئال‌های انسان، دربارهٔ آنچه جذاب شمرده می‌شود، به طور کامل توسط بیولوژی تعیین نمی‌شود. ما برای پی بردن به انواع خاصی از مردم که جذاب یا غیرجذاب باشند، به طور کامل از پیش، برنامه‌ریزی نشده‌ایم. این امر نشان می‌دهد چگونگی ادراک بدن فرد توسط دیگران، تا حد بسیار زیادی - و به ادعای برخی کاملاً - موضوع فرهنگ است و اینکه بدن فرد چگونه شکل بگیرد و به نظر آید، از لحاظ فرهنگی تعریف شده است و ممکن است به همان‌گونه که چگونه یک فرد بر مبنایی مستمر (یا روزانه) عمل می‌کند، چه به اهداف معمولی‌اش دست یابد و چه دست نیابد، انشعابات فراوانی داشته باشد (دستیابی به یک ظاهر خاص، داشتن یک عقیدهٔ خاص، رابطهٔ جنسی و نظایر آن). نیروهایی فرهنگی در کار هستند که تعیین می‌کنند فرد چگونه از بدنش استفاده کند. اینکه بدن توسط فرد چگونه احساس می‌شود و چگونه دیگران با واکنش به بدن او، به وی پاسخ می‌دهند؛ بنابراین بدن، به همان اندازه که بیولوژیکی است، پدیده‌ای فرهنگی نیز محسوب می‌شود.

در این فصل، من به روش‌های متفاوتی خواهم پرداخت که به وسیلهٔ آن‌ها می‌توانیم در مورد رابطهٔ بین طبیعت از یک سو و فرهنگ از سوی دیگر بیندیشیم. من این موضوع را این‌گونه بررسی خواهم کرد که چگونه فرهنگ بر طبیعت یعنی بر شکل بدن انسانی - هنگامی که بدن درگیر جریان فعالیت‌های روزمره‌اش است - تأثیر می‌گذارد. من این کار را با بررسی نقشی که نیروهای فرهنگی در سازمان‌دهی و مدیریت بدن‌های انسانی در زمینه‌های روزمره بازی می‌کنند، انجام خواهم داد.

در ابتدا به دیدگاهی خواهم پرداخت که ادعا می‌کند «فرهنگ»، نقشی کلیدی در زندگی انسان بازی می‌کند، از این جهت که «فرهنگ» در کار رام کردن غرایز طبیعی است و آن‌ها را به ناچار به خط اشکال خاصی از سازمان‌دهی اجتماعی سوق می‌دهد. سپس به برخی مسائل در پرتو این امر خواهم پرداخت که چگونه ادراک و مدفوع کردن از لحاظ فرهنگی توسط «فرهنگ‌های توالی»